

سلسله موی دوست

«خاطرات دوران تدریس امام خمینی (س)»

www.ketab.ir

به نقل از:

شاگردان، دوستان و منسویین

به کوشش: مجتبی فراهانی

با مقدمه آیت الله عمید زنجانی

سلسله موی دوست: خاطرات دوران تدریس امام خمینی(س) به نقل از شاگردان، دوستان و منسوبین /
به کوشش مجتبی فراهانی؛ مقدمه عباسعلی عمید زنجانی. - تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار
امام خمینی(س)، ۱۳۸۳. ۳۵۲ ص.: عکس. (یاده‌ها؛ ۷)

ISBN: 964 - 335 - 684 - 1

فهرستتویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه. نمایه.

۱. خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸. -
دوستان و آشنایان - - خاطرات. الف. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س) - واحد خاطرات.
ب. فراهانی، مجتبی، گردآورنده. ج. عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۱۶. - مقدمه نویسنده. د. عنوان.

۹۵۵ / ۰۸۴۲ ۰۹۲

DSR ۱۵۷۷ / ف ۴ س ۸

م ۸۲ - ۳۶۵۴۳

کتابخانه ملی ایران

کد / م ۱۸۴۲



www.ketab.ir

سلسله موی دوست

خاطرات دوران تدریس امام خمینی(س)

ناشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)

به کوشش: مجتبی فراهانی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ و نشر عروج

چاپ چهارم: ۱۴۰۳ / ۵۰۰ نسخه

قیمت:



• خیابان انقلاب، بین ۱۲ فروردین و فخررازی، فروشگاه مرکزی، تلفن: ۶۶۴۰۴۸۷۳ - دورنگار: ۶۶۴۰۰۹۱۵

• خیابان انقلاب، تقاطع حافظ، فروشگاه شماره ۱، تلفن: ۶۶۷۰۱۲۹۷

• مراکز پخش: خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری، فروشگاه شماره ۲، تلفن: ۶۶۹۵۵۷۳۷

• حرم مطهر حضرت امام خمینی(س)، ضلع شمالی، فروشگاه شماره ۳، تلفن: ۵۵۲۰۲۸۰۱

• کلیه نمایندگیهای فروش در استانها

نشانی الکترونیکی: pub@imam-khomeini.ir

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

الف پیشگفتار

ه مقدمه

خاطرات دوران تدریس امام خمینی (س)

۱ آشتیانی، سید جلال‌الدین

۶ آل اسحاق، محمد

۷ احسان بخش، صادق

۹ احمدی، احمد

۹ اشرفی اصفهانی، عطاءالله

۱۰ اشرفی اصفهانی، محمد

۱۴ امام جمارانی، سید مهدی

۱۵ امامی کاشانی، محمد

۲۱ امینی، ابراهیم

۳۲ امینیان، محمدعلی

۳۴ انتشاری، علی

۳۶ انصاری اراکی، محمدابراهیم

۳۶	انصاریان، حسین
۳۷	ایروانی، سید عبدالمجید
۴۱	ایزدی نجف آبادی، عباس
۴۴	ایمانی، اسدالله
۴۶	باریک‌بین، هادی
۴۷	باغانی، علی اصغر
۴۷	بدلا، سید حسین
۵۳	بروجردی، مسیح
۵۴	بنی فضل، مرتضی
۵۵	بهاء‌الدینی، سید رضا
۵۶	بیات، اسدالله
۵۸	پسندیده، سید مرتضی
۵۸	تفویضی، حسین
۵۹	توسلی، محمدرضا
۶۲	ثقفی، حسن
۶۲	جعفری، محمدتقی
۶۴	جلالی خمینی، حیدرعلی
۶۴	جناتی، محمدابراهیم
۶۶	جوادی آملی، عبدالله
۶۷	حائری شیرازی، محی‌الدین
۶۷	حائری یزدی، مهدی
۶۹	حجت همدانی، محمود
۷۱	حسینی بهشتی، سید محمدرضا
۷۳	حقانی زنجانی، حسین
۷۴	خاتم یزدی، سید عباس

۸۲	خادمی، اسدالله
۸۳	خامنه‌ای، سید علی
۸۵	خزعلی، ابوالقاسم
۸۷	خسروشاهی، سید ابراهیم
۸۷	خلخال، صادق
۹۱	خمیتی، سید احمد
۹۲	خوانساری، سید مصطفی
۹۳	دعایی، سید محمود
۹۵	دوانی، علی
۱۰۲	دین‌پرور، سید جمال‌الدین
۱۰۲	راغبی، زین‌العابدین
۱۰۳	رباتی‌املشی، محمد مهدی
۱۰۳	رحمت، محمد رضا
۱۰۴	رحیمیان، محمد حسن
۱۰۵	رحیمیان، یدالله
۱۰۶	رسولی محلاتی، سید هاشم
۱۰۷	رضوانی، غلامرضا
۱۰۷	روحانی، حسن
۱۰۷	روحانی، سید حمید
۱۱۱	رودباری، سید مجتبی
۱۱۴	زنجان، سید عزالدین
۱۱۶	زمانی، مصطفی
۱۲۰	سبحانی، جعفر
۱۲۹	سجادی اصفهانی، سید محمد
۱۳۲	سروش محلاتی، خلیل

- ۱۳۵.....سلطانی طباطبائی، سید محمدباقر
- ۱۳۶.....شاه‌آبادی، نصرالله
- ۱۳۶.....شمس‌الدین واعظ، سید صادق
- ۱۳۷.....شیخ‌الاسلام
- ۱۳۷.....صابری همدانی، احمد
- ۱۴۰.....صادقی تهرانی، مرتضی
- ۱۴۲.....صالح‌پور، عبدالحمید
- ۱۴۳.....صانعی، حسن
- ۱۴۴.....صانعی، یوسف
- ۱۴۵.....صدرالسادات
- ۱۴۶.....صدوقی، محمد
- ۱۴۶.....صلواتی اراکی، غلامرضا
- ۱۴۷.....طاهری خرم‌آبادی، سید حسن
- ۱۵۰.....عاصمی، منصور
- ۱۵۲.....عبایی خراسانی، محمد
- ۱۵۵.....علم‌الهدی، سید جواد
- ۱۵۶.....عمید زنجانی، عباسعلی
- ۱۶۳.....غیوری، سید علی
- ۱۶۶.....فاضل لنکرانی، محمد
- ۱۷۴.....فقیه ایمانی، سید کمال
- ۱۷۵.....فقیهی، عبدالرحمن
- ۱۷۵.....فیض، محمدعلی
- ۱۷۸.....قدیری، محمدحسن
- ۱۸۳.....قرهی، عبدالعلی
- ۱۸۵.....کرباسچی تهرانی، محمدصادق

۱۸۶	کرمانی، حسین
۱۸۶	کروبی، مهدی
۱۸۷	کریمی، سید جعفر
۱۸۹	متقی، محمدتقی
۱۹۰	محتشمی پور، سید علی اکبر
۱۹۶	محفوظی، عباس
۱۹۷	محلاتی، فضل الله
۱۹۹	محمدی گیلانی، محمد
۲۰۰	مرتضوی لنگرودی، سید محمدحسن
۲۰۴	مرعشی، محمود
۲۰۴	مسعودی خمینی، علی اکبر
۲۰۶	مصطفوی، زهرا
۲۰۶	مصطفوی، فریده
۲۰۷	مطهری، مرتضی
۲۰۸	مظاهری، حسین
۲۱۱	معرفت، محمدهادی
۲۱۳	ملکوتی، مسلم
۲۱۴	منتظری، حسینعلی
۲۱۹	حسینی منش، سید محمدباقر
۲۲۱	موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم
۲۲۵	موسوی بجنوردی، سید محمد
۲۲۹	موسوی تبریزی، سید حسین
۲۳۲	موسوی جزایری، سید محمدعلی
۲۳۳	موسوی خوئینی ها، سید محمد
۲۳۳	موسوی کرمانی، سید حسین

۲۳۴ مؤمن، محمد
۲۳۸ مؤمنی شه‌میرزادی، همت‌الله
۲۴۰ مه‌ری، سید عباس
۲۴۱ ناصر‌ی، محمد‌رضا
۲۴۵ نوری همدانی، حسین
۲۴۸ واعظ‌زاده خراسانی، محمد
۲۵۱ هاشمی رفسنجانی، اکبر
۲۵۴ یثربی، سید مهدی
۲۵۵ یزدی، محمد
۲۵۷ یوسفی غروی، محمود
۲۶۱ پی‌نوشتها
۲۷۹ فهارس
۲۸۱ فهرست تفصیلی
۳۰۹ فهرست اعلام
۳۲۱ فهرست آیات و روایات
۳۲۳ فهرست موضوعی
۳۳۷ فهرست منابع
۳۳۹ تصاویر

www.ketab.ir

پیشگفتار

بہتر از ہر جای دیگری یافتہ ماہ آموختہ ہا و عظمت روحی و فکری یک فرد را در عرصہ تدریس و گفت و شنود ہی می توان بہ دست آورد. ہر چند تالیف و نوشتہ ہا نشانگر معلومات یک نویسنده است اما بہ دلیل یکسویہ بودن، نمی تواند آئینہ ای از خلیقات او باشد. شخصیت یک فرہیختہ را با بیستی در پای کرسی تدریس او جستجو کرد. در برخوردارہا، گفتگو و انتقادہاست کہ حدود پابندی شخصی بہ اخلاق علمی و ارج نھادن بہ آن و بسیاری از دیگر مسائل روشن می شود.

بزرگانہی کہ ہم اکنون خود در مقام استادی اند و بہ راستی برخی از آنان در عرصہ فعالیت خویش از نوادر عصر ما بہ شمار می آیند، زمانی بہ تلمذ زانوی ادب در برابر امام خمینی (س) زدہ اند و اینک از آن دوران و از آن عزیز سخن می گویند. خاطراتی کہ علی رغم گذشت سالہا در ذھن و خاطر آنان زندہ مانده است. از تأثیر عمیقی کہ کلام و سخن امام در رفتار و زندگی شان داشته از نظم و انضباط، آراستگی، ارج نھادن بہ تحقیق و سؤال، استقامت فکر، اخلاق علمی، شوخ طبعی، پرهیز از تشریفات، خوب گوش کردن بہ سخن دیگران، نقد نظریہ در عین حرمت بہ صاحبان نظریہ، جامع نگری و بلند پروازی ذھن در عین تواضع و فروتنی، از منقولات گفتن و معقول نگرستن، تدریس شریعت و سالکانہ و عارفانہ اندیشیدن و ابعاد مختلف دیگری کہ ہر یک از حضور در دروس فقہ و اصول، فلسفہ و عرفان و

اخلاق امام مطرح کرده‌اند. و با چنین هدفی - شناخت بهتر و عمیق‌تر از امام - این مجموعه فراهم آمده است. در راستای تنظیم این مجموعه ذکر نکاتی چند ضروری به نظر می‌رسد:

۱. خاطرات بدون دخل و تصرف محتوایی چاپ شده است از این رو صحت و سقم آن به عهده گویندگان محترم آن می‌باشد.

۲. عناوین بالای هر یک از خاطرات توسط محقق این مجموعه انتخاب گردیده و سعی شده است محتوای پیام اصلی خاطره را برساند.

۳. اکثر خاطرات جمع‌آوری شده از شاگردان امام خمینی (س) می‌باشد و تنها تعداد معدودی مربوط به دوستان و منسوبین است که به علت مفید بودن برای خوانندگان گرامی بخصوص اساتید، طلاب و دانشجویان در این مجموعه از آنها استفاده شد.

۴. اغلب مطالب این مجموعه صرفاً خاطره می‌باشد. اما بعضی مطالب درباره سیره حضرت امام می‌باشد که به علت ارتباط آن با تدریس و امر تعلیم و تربیت از آنها استفاده شد.

۵. این مجموعه به آنچه که مستقیم یا غیر مستقیم به موضوع تدریس حضرت امام خمینی ارتباط (از جنبه‌های مختلف نظامهای تعلیم و تربیت و حوزه) دارد، پرداخته می‌شود. لذا بر حسب ضرورت پیرامون موضوعات مقام علمی امام، ویژگیهای فردی، نحوه رفتار امام با شاگردان، تقریرات و شهریه نیز خاطراتی جمع‌آوری و درج گردیده است.

۶. فهرست موضوعی با توجه به عناوین و سرفصلهای علمی مطرح در نظام تعلیم و تربیت و آموزش حوزوی تهیه گردیده است. با عنایت به اینکه در دوران تدریس حضرت امام برنامه‌هایی که اجرا می‌شده مکتوب نشده است لذا فهرست مذکور صرفاً به جهت طبقه‌بندی علمی و با توجه به نیاز این کتاب فراهم آمده است.

۷. عبارت «آرشیو واحد خاطرات» که در بخش پی‌نوشتها و منابع آمده است،

منظور آرشیو واحد خاطرات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی می باشد. در پایان از جناب حضرت آیت الله عمید زنجانی که قبول زحمت نموده و مقدمه این کتاب را به قلم شیوایی به نگارش درآورده اند تشکر می نمایم. همچنین از کلیه همکارانی که در تهیه و تکمیل این مجموعه نقش بسزایی داشته اند به خصوص آقایان حمید بصیرت منش، فرامرز شعاع حسینی و سید احمد میریان تقدیر می گردد.

واحد خاطرات

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)

باکاروان خاطرات ایام وصال یار

هر چند ابعاد وسیعی از شخصیت والای امام همچنان ناشناخته مانده و تلاش در کشف و شهود برخی از آنها بهمان میزان بیشتری نیاز دارد لکن تأمل در بخش مشهود از ابعاد شناخته شده شخصیت امام می‌تواند روایای نامشهودی را در ابعاد ناشناخته آن مراد دلها آشکار سازد.

بی‌گمان امام در کرسی استادی هر چند در مرتبت با امام در جایگاه رهبری بزرگترین انقلاب قرن بیستم و یا در مقایسه با امام در مقام بنیانگذاری استوارترین نظام سیاسی معاصر و یا در برابر شخصیتی که امام در عرصه تحولات معاصر بین‌المللی بخود اختصاص داده بود، متفاوت می‌باشد اما مقام استادی امام سنگ زیربنای همه این مرتبتهای بزرگ و قلم نگارش همه این چهره‌های تابناک و عامل نقشها و مقامهای دیگر او است و همه ابعاد شخصیت امام از آغاز بزرگترین نهضت اسلامی تا عامل اصلی در نقش آفرینی در تاریخ سیاسی معاصر ایران، اسلام و جهان، همه و همه برخاسته از جایگاه امام در کرسی استادی می‌باشد.

علتها هر چند در مواردی درخشش معلولها را ندارند اما به طور ماندگار همچنان علت محسوب می‌شوند و زیربنای درخششها و شکوهای معلولها به شمار می‌آیند. بی شک مطالعه، تحلیل و بررسی این بعد از شخصیت بزرگ امام می‌تواند در شناخت دقیقتر ابعاد دیگر شخصیت امام مفید و مؤثر باشد.

در نگاه کلی، از جایگاه امام در کرسی استادی سه اثر ماندگار در دسترس ما قرار دارد که هر کدام بنوبه خود می‌تواند در تبیین این جایگاه و آثار آموزنده و احیاگر آن، مفتاح و روشنگر باشد.

نخست: آثار قلمی بازمانده از این دوران پر برکت که خود تصویری درست از شخصیت علمی امام در جایگاه استادی و محتوای دروس امام در دوره‌های متوالی تدریس می‌باشد. سنت و سیره امام چنان بود که دروس خود را شخصاً به رشته تحریر در می‌آوردند و در حقیقت، یک درس سه بار مورد مطالعه و تحلیل قرار می‌گرفت: قبل از درس، بهنگام درس و پس از درس.

آثار مکتوب متعدد امام در زمینه‌های مختلف فلسفی، عرفانی، اصول فقه، متون فقهی و فقه استدلالی که میراث گرانبهای علمی بازمانده از امام می‌باشد جملگی در این راستا تألیف گردیده‌اند. امام همواره خود بهترین مقرر دروس خود بوده است. دوم: جزواتی که توسط شاگردان امام به عنوان تقریرات درس تهیه، تنظیم و به صورت مجلدات تقریری نوشته شده که برخی از این جزوات هنوز در دست مؤلفان محققش چاپ نشده باقی مانده که امید است جمعی در نشر آثار امام در این خصوص نیز مؤثر افتند.

سوم: خاطرات انبوه شاگردان امام که در دروس حوزه‌های قم و نجف اشرف امام حضور یافته و سالها از زلال علم و معرفت امام بهره برده‌اند. این خاطرات به چند لحاظ از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است که در این مجال می‌توان به برخی از آنها اشاره نمود:

۱. به لحاظ بار علمی که در اکثر صفحات این مجموعه از خاطرات دیده می‌شود و برای اهل فضل اشارتهای فراوان به همراه دارد.

۲. این خاطرات برای کسانی که خود در آن زمان حضور داشته‌اند موجب تداعی مطالب بسیاری است که احیاناً خود فراموش کرده‌اند.

۳. روش تدریس و تحقیق که از لابلای این خاطرات مستفاد می‌گردد بهترین الگو در حوزه‌های علمیه، دانشگاهها و مراکز آموزشی است.

۴. سطر سطر این خاطرات بیانگر رابطه‌ها در اتصال حلقات تاریخ زندگی امام و مؤلفه‌های تاریخ معاصر می‌باشد.

۵. این خاطرات مبین چگونگی ظهور نسلی است که امروز بنام یاران امام شهرت یافته‌اند. یعنی در حقیقت سرآغاز تاریخ جدید انقلاب پس از امام.

۶. مطالعه این خاطرات به وضوح امکان تبدیل استاد به مراد و تحول کرسی استادی به جایگاه انسان‌پروری و کانون عشق را نشان می‌دهد.

کتاب حاضر که با زحمت و رنج بسیار فراهم آمده و اینک در اختیار علاقمندان قرار گرفته، شمه‌ای از این خاطرات را گردآوری و بازگو کرده است تا قطره‌ای از دریا را به والهان بنمایاند و دل‌های مشتاق را به سوی آن دریا متوجه سازد. و محققانه، از طرح آن همه تفصیل، اشارت به مقام امام در کرسی استادی را هدف گیرد.

به این ترتیب، اهداف خاطره‌نویسی تنها در بعد تاریخی آن خلاصه نمی‌شود. خاطراتی که در این مجموعه مطالعه می‌کند در حقیقت تحقیقی هدفمند برای شناساندن جریان‌های فکری با طبقه‌بندی روشها و جنبشها در خلال بررسی سلسله دروس علمی امام می‌باشد. بی‌شک تجزیه و تحلیل این روشها امکان مطالعه تطبیقی در روشهای آموزشی حوزه‌های علمیه و دانشگاه را در سطوح آموزش عالی و تحقیقات کاربردی را میسر می‌سازد.

کاروان عظیم شاگردان دیروز امام که وارثان اجتهاد و فقاہت امروز در حوزه‌های علمیه و سکانداران انقلاب در رهبری جریان‌های فکری ناب اسلامی در عرصه‌های مختلف می‌باشند و مسئولیتها را در عرصه‌های مختلف نظام اسلامی بر عهده دارند، در لابلای خاطره‌هایی که از استاد و مراد خود در مناسبت‌های درسی بازگو کرده‌اند در حقیقت تجربه نویسی را در عرصه روابط علمی و معنوی استاد و شاگرد به تماشا نهاده‌اند.

در چشم‌انداز این خاطره‌ها به جز رابطه مقدس و سازنده استاد و شاگردی تجلیات دیگری از عشق، اندکاک، ذوب شدن و مراد و مریدی نهفته است که خوانندگان باید جلوه‌ها و برکات آن را در لابلای سخنان راویان و ناقلان این

خاطره‌ها جستجو کنند.

بی‌گمان آبریز چشمه‌ها هر چند نزدیکتر باشند، زلالت‌رند و آب اقیانوسها هر چه عمیق‌ترند، پاک‌ترند و لکن آبشارها بیشترین انرژی را نه در کرانه‌ها که در عمق دره‌ها به وجود می‌آورند که نشانه آن تبدیل قطره‌ها به حبابهای پراکنده در هوا است.

شاگردان امام بی‌گمان همه یکسان از زلال علم و عرفان امام بهره‌نبرده‌اند برخی امام را چون چشمه‌ای خروشان و جمعی چون اقیانوسی بیکران و نیز عده‌ای استاد و مراد بی‌بدیل خویش را چون آبشار پر هیمنه می‌دیدند که امواج خود را با غرشی سهمگین به سخره‌ها می‌کوبید و خود را در این میان چون حباب و تُمی پراکنده در هوا می‌یافتند و به فراخور اوعیه و ظرفیت وجودی خویش فیض می‌بردند. به هر حال هر کدام، از **سلسله موی دوست** ^۳ سخن گفته‌اند و از اسارت کمند آن، زمزمه کرده‌اند. این نکته بسی پر معنی است که هر کدام از شاگردان امام هر وقت و در هر حال که از امام و خاطره‌های درسی آن استاد و مراد خویش سخن گفته‌اند، بیشتر، از حال سخن گفته‌اند تا مقال و از فراق یار زمزمه کرده‌اند تا وصال.

پایان جلسه درس امام همواره چنان بود که با اشتیاق آغاز جلسه بعد همراه بود و در حقیقت پایان نبود بلکه آغاز بود؛ درس امام هرگز کسی را سیراب نمی‌کرد بل تشنه‌تر می‌نمود؛ علم نمی‌افزود، که انسان را بر جهل خود واقف‌تر می‌کرد؛ فقط مرزها را بر می‌داشت و از کرانه تا کرانه به بیکران رهنمون می‌شد. درس امام نقبی بر عمق عقل و ادراک حاضران بود که تا چشمه‌های علم و معرفت از درونشان بجوشد تا هر کجا که علم و معرفت می‌یابند توان نقد و تحلیل آن را داشته باشند و دانش و معرفت جدید خود را از درون خویش بیابند.

امام همواره زمان تحصیل را اندک و زمان تحقیق را بسیار می‌شمردند اما نه هر تحلیل و نه هر تحقیق، بلکه تحصیلی که به خروش موج علم و معرفت از چشمه‌های درون دانش پژوهان بیانجامد و تولید، سازندگی و عقل فعال تحقیق را

بارور سازد. درس امام بی روح و علم تجربیدی نبود سرشار از عرفان و زلال مکارم اخلاق بود. دقایق اندکی که امام در لابلای بحثهای دقیق علمی به شهید حال می رسید و در ناسوت علم به شهید ملکوت دست می یافت و از حضيض ملک به عالم قدسیان پرواز می کرد در همان چند لحظه حال، یکباره دست حاضران فرش نشین را به عرش می رسانید. در این چند لحظه ناگهان درس اصول وفقه به سماعی با شکوه و وصالی مخمور مبدل می شد و لحظه ای بعد همه در سرادق و حجب مستور بودند و دیگر از حال خبری نبود.

ترجیح بند درسهای امام ندای آغاز راه بود نه نزدیک شدن به پایان. هر چه درس پیش می رفت، آغاز مشکل تر می نمود؛ تنها در پایان راه صوری درس بود که بارقه امید به آغاز راه در دلها می شکفت که تازه سفر نهایی آغاز می گردید.

عالم شدن در دروس امام به معنی آماده شدن به آغاز آدم شدن بود چه زیبا و با شکوه و با تکرار می فرمود: شیخ ما مستی گفت که عالم شدن چه مشکل و آدم شدن محال است.

من ناچیز که حجاب کوچکی معلق در هوا در هیاهوی غرش و ریزش موجهای عظیم آبشار وجود استاد بر قعر دره ها به حساب می آیم اگر همه آنچه را که باید از درس امام بگویم بر قلم آورم باید همه مطالب کتاب را تکرار کنم ناگزیر باید به نکاتی بسنده کنم که نمی ازیم باشد و خواننده را به مطالعه دقیق و هشیارانه این اثر که به قلم شیوا و شیوه ای محققانه نوشته شده است وادارد تا نه تنها صفحه به صفحه و سطر به سطر بلکه روی بسیاری از کلمات در این خاطره ها تأمل نماید که شاید اسم اعظم روش تدریس امام را در آن کلمه بیابد و توشه راه بگیرد؛ چون ابرها به دشتها بتازد و بیآرد.

در منظر اول، استاد و مراد، چون سلسله جبالی می نمود که قله های آن غیر قابل دسترسی است اما هنگامی که دستها از آستین عتل به سوی او دراز می شد یکباره چون چشمه خروشان، اوعیه دلها را سیراب می نمود و پیچ و خمها و فراز و نشیبهای این سلسله کوهها چون گستره دشت وسیع و هموار زیر پا سهل می نمود

گوئی که در درس امام قله‌ها هدف نبودند قله‌ها چون علامتی فقط راه اوج به ملکوت را نشان می‌دادند.

حتی آنها که از این اقیانوس بیکران بهره وافر بردند هم احساس ندامت کردند و نیز آنها که جز انتظار وصال بهره دیگر نبردند بسی شرمنده شدند. آن دسته که چرا توشه بیشتر برنگرفتند و این دسته که چرا بی نصیب ماندند.

در اواخر دهه ۳۰، روزی که در مسجد سلماسی قم بنا بر اصرار فضلالی حاضر در درس به خاطر تراکم حضار امام بر روی یک منبر دو پله‌ای نشست ناگهان درهای ملکوت را بر روی مشتاقان گشود. امام سخن را چنین آغاز کرد که وقتی انسان بظاهر یک پله بالا می‌رود چه رخ می‌دهد؟ و او را چه می‌شود؟ و چه باید بشود؟ این پله ظاهری چگونه می‌تواند مایه کمال و یا چه سان مایه سقوط انسان گردد؟ با این سرآغاز سخن چه غوغایی در دلها پیا خاست و چه شهود انقلابی رخ داد؟ من آن روز در بارقه شکسته شدن و فرو ریختن دلها شکوه سقوط بتها را در آن زمان به چشم خود دیدم که امید سقوط بت رژیم شاه را برود می‌داد.

اگر مرا به زرفای درس امام راهی نبود از ظاهر بگویم آنگاه که دریا در سینه امام به خروش می‌افتاد و عبا از شانه‌های امام به آرامی می‌غلطید و می‌افتاد و حرکت دستها به آسمانها نشانه می‌رفت و طنین صدای امام اوج می‌گرفت دیگر گذشته و حال در هم می‌پیچید و ره‌آورد محققان گذشته به تار و پودی مبدل می‌گشت و کاخهای سر برافراشته آراء و نظریات بزرگان فرو می‌ریخت و مبانی نظریات رنگ می‌باخت و افقهای جدید در چشم اندازها رخ می‌نمود و از میان غرش ابرها و رعد و برق ناگهان آسمانی پر ستاره آشکار می‌گردید؛ که چه با شکوه بود جمع کردن این ستاره‌ها! اما صد حیف که جمع و ضبط همه آن ستاره‌ها امکان‌پذیر نبود.

با یک نگاه دیگر باید گفت شیوه تدریس امام نه تنها الگو برای حوزه‌ها بلکه شیوه تدریس در دانشگاهها بود. در محضر امام، تحصیل به معنی جمع‌آوری اطلاعات نبود بلکه به معنی تحلیلی بود که نه تنها در حوزه اطلاعات موجود بلکه به توسعه و فهم آن می‌انجامید. هر چند، علم در کتابها ذخیره شده است اما استاد

بجای بازگو کردن آنها تلاش می‌کرد محققان را با محتررا و عمق و جان این کتابها آشنا سازد و راه و رسم تحلیل و بازسازی آنها را بیاموزد. و سامان دهی مجدد اندیشه‌های زمان گذشته را به تولید برساند. در دیدگاه ارزشمند امام، استاد وقتی موفق است که دانش پژوهانش بهتر از آنچه که از وی می‌گیرند خود بر علم بیفزایند و پانویسهای تقریراتشان باید بیشترین حجم صفحه را پر کنند نه تنها نقل قولها، که در کتابها فراوانتر می‌توان یافت. در پایان باید این نکته را بیافزاییم، آنگاه که در درس استاد مطلبی پیچیده پیش می‌آمد و درک بحث، سخت و راه فهم ناهموار می‌نمود، تازه، درس حال و هوای جدی و علمی بخود می‌گرفت و عنقای فکر امام برای شکار حقیقت به سوی اعماق مطلب نشانه می‌رفت و دوباره اوج می‌گرفت تا هدفی دیگر و شکاری دهورتر از دسترس اندیشه‌ها.

عباسعلی عمید زنجانی

www.ketab.ir